

سال دوم

جلسه ۱۰۶

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

شنبه ۹۱ / ۲ / ۳۰

# بحث سوم:



نظر بزرگان

وضع شده اند برای «معانی مبهم مقترنه بالخطاب و التکلم»

مرحوم  
عراقی

وضع شده اند برای معانی آنها به شرط استعمال در خطاب و تکلم

مرحوم  
آخوند

وضع شده اند برای «معانی آنها عند تعلق الاشارة خارجاً او ذهناً»

مرحوم  
اصفهانی

وضع شده اند برای «معانی آنها عند تعلق الاشارة (در ضمیر متکلم) او التخطاب (در ضمیر مخاطب) بها خارجاً

مرحوم  
خویی

۱  
ضمایر غایب و اسماء اشاره، «معانی حرفی» هستند  
چراکه ایشان موضوع له آنها را «نفس اشاره» می دانستند  
و اشاره هم عبارت بود از «نسبت بین آلت اشاره و مشارّ الیه»

۲  
ضمایر متکلم و مخاطب (چه متصل و چه منفصل) قطعا برای اشاره وضع نشده اند

۳  
متبادر از وضع ضمیر متکلم و ضمیر مخاطب :  
ضمیر متکلم = «وجود خارجی نفس متکلم»  
ضمیر مخاطب = «وجود خارجی مخاطب»

۴  
پس وضع در اینها، «عام»، و موضوع له «خاص» است

۱  
فرق است بین آن دسته از واژه ها که معنای حرفی دارند  
و ضمایر متکلم و مخاطب که معنای اسمی دارند.

۲  
معنای حرفی = «وضع عام؛ موضوع له خاص»  
چراکه معنای حرفی دارای قدر جامع نیستند تا یک معنای اسمی بتواند برای آن قدر  
جامع وضع شده باشد

۳  
البته ممکن است با یک معنای اسمی، از معنای حرفی حکایت کنیم  
ولی نمی توانیم آن را موضوع له قرار دهیم و لذا وضع در آنها «عام» است ولی  
موضوع له نمی تواند «عام» باشد

۴  
اما در ضمیر متکلم و مخاطب: اگرچه می توان قائل به «وضع عام؛ موضوع له عام»  
شد ولی متبادر از این الفاظ، معنای جزئی است

## مراد امام چیست؟

آیا موضوع له «انا» و «انت»، وجود خارجی متکلم و مخاطب است؟

۱

## چند احتمال در وضع «زید»:

- «طبیعت زید» را لحاظ کنیم و لفظ را برای آن وضع کنیم
- «طبیعت زید مقیداً به وجود خارجی» را لحاظ کنیم
- «طبیعت زید مقیداً به وجود ذهنی» را لحاظ کنیم
- «وجود خارجی زید و نه ماهیت آن» را لحاظ کنیم

۲

ولی در همه صورت های فوق، باز آنچه موضوع له است، «مفهوم» است

(مفهوم وجود خارجی، مفهوم طبیعت مقید، مفهوم طبیعت)

۳

پس وضع برای وجود خارجی بما هو وجود، ممکن نیست  
چراکه ما آن را نمی توانیم مستقیماً لحاظ کنیم  
بلکه آنچه ملحوظ است «مفهوم» آن است

۴

تقریر مرحوم شهید مصطفی خمینی از فرمایش امام :  
موضوع له ضمایر خطاب و متکلم، در مبنای امام «وجود خارجی» است

۵